

## مقایسه روش‌های انسان‌شناسی، بهترین راه انسان‌شناسی برای رسیدن به آرامش چیست؟

### بررسی و مقایسه انواع روش‌های انسان‌شناسی

جستجو برای یافتن پاسخی درخور به سؤالات بنیادین انسان و کشف چیستی وجود بشر، سرآغاز شکل‌گیری نحله‌های فکری و فلسفی گوناگون بوده و هست. هر یک از این مکاتب فکری چهارچوب‌ها و پاسخ‌های خود را پیرامون این سؤالات ارائه کرده و در واقع سبک زندگی مورد قبول خود را عرضه می‌کنند.

سؤال اساسی این‌جاست که آیا ممکن است یک سؤال واحد هزاران پاسخ صحیح داشته باشد؟ و در هر صورت هر یک از ما باید کدام یک از این پاسخ‌ها و کدام یک از این هزاران شیوه گوناگون اندیشیدن را انتخاب کنیم؟

در این مقاله به مقایسه آنچه تاکنون پیرامون انواع روش‌های انسان‌شناسی در مقالات:

- بررسی انسان‌شناسی تجربی یا علمی

- بررسی انسان‌شناسی عارفانه

- بررسی مفهوم انسان‌شناسی در فلسفه غرب

- بررسی مفهوم انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی

بیان کردیم، پرداخته و پیرامون این موضوع نتیجه‌گیری خود را بیان می‌کنیم.

### مطمئن‌ترین روش سنجش

شاید بتوان گفت که مطمئن‌ترین راه سنجش روش‌های گوناگون اندیشیدن، رجوع به خود است. در نظر گرفتن این حقیقت که عقل و قلب ما از پاسخ‌های ارائه شده توسط کدام‌یک از این گونه‌های فکری به طور کامل اقناع شده و کدام‌یک از آن‌ها ما را به آرامشی پایدار می‌رساند، ملاک قابل قبولی برای صحت سنجی آن‌هاست. ملاکی که بسیاری از جریان‌های فلسفی غرب در آن مردود شده‌اند؛ زیرا بسیاری از نظریه‌های علمی و فلسفی با گذشت زمان توسط خود نظریه‌پرداز و یا توسط دانشمندان دیگر رد و منسوخ شده‌اند.

اگر قرار باشد با تکیه بر دانش **بشری** و بدون در نظر گرفتن **انسان** و خالق **انسان** یکی از هزاران **نحلۀ فلسفی** را بپذیریم؛ باید هر لحظه در انتظار رد و منسوخ شدن آن باشیم؛ زیرا تغییرپذیری جزئی از ماهیت علم **بشر** است. با پیشرفت علم هر روز نظریۀ جدیدی می‌آید و نظریه‌های قبلی را باطل می‌کند و به این ترتیب هیچ‌گاه نمی‌توانیم از صحت نظریه‌ای که آن را پذیرفته‌ایم و تصمیمات، انتخاب‌ها، ارتباطات و رفتارمان را بر پایه آن تنظیم کرده‌ایم و به طور کلی خود را با آن معنا کرده‌ایم، مطمئن باشیم.

### چرا انسان‌شناسی تجربی و فلسفۀ غرب در شناخت انسان موفق عمل نمی‌کنند؟

**انسان‌شناسی تجربی و فلسفۀ غرب** فقط از یک زاویه به **انسان** می‌نگرند و سایر ابعاد وجودی **انسان** از نظرشان مخفی می‌ماند. بنابراین از **پاسخ** دادن به بسیاری از سؤالات در مورد **انسان** عاجزند. ریشه بسیاری از بحران‌های اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی به نظریه‌های غلطی برمی‌گردد، که برای مدت‌های طولانی مبنای قانون‌گذاری در کشورهای مختلف بوده و هنوز هم هستند.

### انسان‌شناسی تجربی

وقتی پایه شناخت خود را بر حس و تجربه بنا می‌نهیم، در واقع تمام امور غیرمادی را از حیطة تفکر خود حذف می‌کنیم و در واقع بخش بزرگی از نیازهای واضح خود را نادیده می‌گیریم؛ زیرا نفی کردن و نادیده گرفتن حقایق، باعث از بین رفتن آنها نمی‌شود. چالش‌ها و سردرگمی‌های ما در یافتن **پاسخی** برای آنها همچنان به قوت خود باقی می‌ماند. با این وجود، چگونه از نظامی که بخشی از **نیازها** و دغدغه‌های ما را نادیده می‌گیرد، انتظار داریم که ما را به غایت نهایی‌مان برساند؟

### فلسفه غرب

اما در مورد فلسفه غرب قضیه متفاوت است. بر خلاف تفکر تجربی، این فلسفه قصد نادیده گرفتن یا حذف بخشی از مسائل مربوط به انسان را ندارد، بلکه هدفش فهم انسان و رفع چالش‌های پیش روی اوست؛ اما از آنجا که در پیمودن مسیر خود تنها از عقل و دستاوردهای تجربی استفاده می‌کند، محکوم به نقص نسبی است. همان‌طور که در مقاله بررسی مفهوم انسان‌شناسی در فلسفه غرب نیز به آن اشاره شد، عقل انسان محدودیت‌هایی دارد و تنها در صورتی قادر به صدور حکمی درست است که اطلاعاتی کامل، جامع و صحیح نسبت به موضوع در اختیار داشته باشد. در حالی که در بخش‌های غیرمادی مربوط به انسان اساساً دسترسی به چنین اطلاعاتی غیر ممکن است. زمانی هم که فلسفه غرب برای پیشبرد اهداف و جبران نقایص خود به دستاوردهای تجربی رو می‌آورد، در حقیقت از فهم چیستی انسان و پاسخ به سؤالات بنیادی او باز می‌ماند.

### نقدی بر انسان‌شناسی عرفانی

تفکر عرفانی نیز به دلیل ماهیت خاص خود اگر تنها بر مبنای شهودات و دریافت‌های قلبی صرف قدم بردارد، با خطر سقوط مواجه است. زیرا معیاری برای تشخیص صحت آنچه دریافت کرده است، ندارد. الهامات، شهودات و سلوک عرفانی همان‌گونه که در صورت وحیانی بودن، قادرند انسان را تا بالاترین مراتب شناخت برسانند، ممکن است منبعی شیطانی داشته و انسان را تا قعر جهنم پایین بفرستند.

مطابقت با عقل و نقل و آموزه‌های دینی است که عارف را از مسیری که در حال پیمودن آن است، مطمئن می‌سازد. علاوه بر این، همان‌طور که در مقاله بررسی انسان‌شناسی عارفانه ذکر شد، شهودات عرفانی برای همه افراد قابل فهم و توضیح نیستند. در واقع کسی می‌تواند شهود و سلوک یک عارف را به خوبی درک کند، که خود پیش از آن، این حالت را تجربه کرده باشد. پس تفکر عرفانی قابل تجویز برای کل نیست و مسلکی فردی است و نمی‌تواند تمام یک جامعه را در بر بگیرد.

### تفکر اسلامی؛ نظامی متعادل

از آنجا که هر یک از روش‌های **تفکر**، تنها به داشته‌ها و ابزارهای خود تکیه می‌کنند؛ در نتیجه در **شناخت انسان** محکوم به شکستند. در این بین **تفکر اسلامی** تفکر میانه‌رو است و حد اعتدال را در پیش گرفته و از تمامی ابزار موجود استفاده می‌کند. جایی که قادر به **استدلال** است، از **عقل** استفاده می‌کند. در حیطه‌هایی که **عقل** به آن دسترسی ندارد، از منابع و آموزه‌های **دینی** و گفتار معصومین کمک گرفته و آنها را زیر بنای **تفکرات عقلانی** خود قرار می‌دهد. جایی که امکان سلوک فراهم باشد، از طریق **شهودی** که با معیارهای **عقل** و **دین** سنجیده می‌شود، بر یافته‌های **عقلانی** خود مهر تأیید زده و باب **معرفتی** بیشتری را برای خود می‌گشاید.

فلسفه و تفکر اسلامی تلفیقی از **عقل** و **دین** و **قلب** است و به همین جهت در **شناخت چیستی انسان** و رابطه او با جهان موفق بوده و دچار ایستایی یا سردرگمی نشده است. برای کسب اطلاعات بیشتر نسبت به **تفکر اسلامی**، می‌توانید به مقاله بررسی مفهوم انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی رجوع کنید.

ما در مقاله حاضر روش‌های مختلف **انسان‌شناسی** را به طور مختصر بررسی کردیم. گفتیم که بهترین معیار برای انتخاب روشی برای خودشناسی، خود **انسان** است؛ زیرا می‌تواند هر یک از روش‌ها را با **عقل** و **قلب** خود سنجیده و تشخیص دهد کدامیک قادرند او را به آرامشی پایدار رسانده و به هدف غایی وجودش نزدیک کنند.